

تربیع نحس است.  
 و نظر تربیع را دشمنی گویند.  
 پس نظر از تربیع و مقابله دشمنی بود.  
 (ابونصر قمی، ترجمه المدخل الی علم احکام النجوم)

### نقص عمدی کاغذ اسناد

پیشینه و تحول<sup>۱</sup>

کسانی که مستقیماً با اسناد تاریخی سروکار دارند احتمالاً بریدگی گوشه سمت راست پایین برخی از اسناد توجه‌شان را به خود جلب کرده است. هدف این مقاله، ارائه پیشینه و ریشه‌یابی موضوع و سیر تحول شکل این پدیده در اسناد دوره اسلامی ایران است.

در میان سندپژوهان معاصر، اولین بار هربرت بوسه (Heribert Busse) در بررسی فرامین صفوی این موضوع را مورد توجه قرار داده و به نقل از شاردن این امر را خرافی و نشان ناقص بودن امور دنیایی می‌داند و می‌نویسد:

در بعضی فرمانها، گوشه سمت راست آن بریده شده است. قطعه بریده شده، مثلث مختلف الاضلاعی را به وجود می‌آورد که ضلع کوتاه آن از اندازه پهنای ورقه درست شده است. شاردن<sup>۲</sup> این رسم را از تصرفات خرافی می‌داند.<sup>۳</sup>

وی (بوسه) سپس می‌افزاید:

«ما هیچ توضیحی نداریم که به این مطلب اضافه کنیم».<sup>۴</sup>  
 دکتر هاشم رجب‌زاده نیز در مقاله‌ای با عنوان «تغال در ترسل» به مجموعه‌ای از آداب و رسوم رایج در میان کاتبان، و از جمله این رسم اشاره کرده و بدون ریشه‌یابی موضوع، چند شاهد از متون بر آن ارائه کرده‌اند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> نگارنده در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۷ برای اولین بار این موضوع را در قالب یک سخنرانی با عنوان «نحوست تربیع و تأثیر آن بر آثار هنری» در فرهنگستان هنر ارائه کرده است. مقاله حاضر تنها به تأثیر این باور در اسناد دوره اسلامی می‌پردازد. تأثیر این اندیشه در کتاب‌آرایی در مقاله‌ای دیگر خواهد آمد.

<sup>۲</sup> ژان شاردن، سیاحتنامه، ترجمه محمد عباسی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵-۱۳۴۵)، ۲: ۲۹۳.

<sup>۳</sup> هربرت بوسه، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ترجمه غلامرضا وهرام (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷)، ص ۴۸.

<sup>۴</sup> همانجا.

<sup>۵</sup> هاشم رجب‌زاده، «تغال در ترسل»، نامه فرهنگستان، س ۲ (۱۳۷۶)، ش ۲: ۷۲-۸۱. (با سپاس از جناب نادر مطلبی‌کاشانی برای معرفی این مقاله).

### «نحوست تربیع» و تجلی این باور در اسناد دوره اسلامی ایران

عمادالدین شیخ‌الحکامی\*

(مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران)

**چکیده:** در این مقاله به بررسی، ریشه‌یابی و سیر تحول یکی از آداب کتابت در اسناد دوره اسلامی ایران پرداخته شده است. جدا کردن بخش کوچکی از گوشه سمت راست پایین اسناد و یا ایجاد انحراف در اضلاع چهارگوش سند به منظور باطل کردن شکل مربع و دفع نحوست تربیع نجومی سنتی کهن در اسناد دوره اسلامی است.

براساس نمونه‌های موجود اسناد در دوره‌های پیش از صفوی، صفوی و قاجار می‌توان چهار شکل کندن، بریدن، نشان دادن نقص با کج کشیدن خطوط جدول و تا کردن گوشه پایین سند را ارائه کرد. در این تحقیق، برای اسناد دوره پیش از صفوی یکصد سند از مجموعه اسناد متعلق به بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به صورت اتفاقی بررسی گردیده و برای اسناد دوره صفوی و اسناد دوره قاجار نیز به چند مجموعه سند چاپ شده بسنده شده است. در این مقاله همچنین اشاراتی که در متون کهن، به ویژه در کتب انشا و ترسل و برخی منابع منظوم به این رسم شده ارائه گردیده است. این باور در فرهنگ مردم دوره معاصر نیز وجود داشته است.

در مورد دلایل انجام این عمل در اسناد، یعنی ایجاد نقص در شکل چهارگوش کاغذ، بیشترین تأکید متون بر نحوست تربیع است و در منابع و متون کهن دوره اسلامی شواهد بسیاری مبنی بر وجود اعتقاد به نحوست تربیع نجومی وجود دارد.

**کلید واژه:** سند؛ سندنویسی؛ آداب کتابت؛ نحوست تربیع؛ مربع؛ جدول؛ اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی؛ کاغذ.

\* کارشناس ارشد تاریخ؛ پژوهشگر کتیبه و اسناد دوره اسلامی.

در ابتدا برای دستیابی به گستره زمانی و چگونگی انجام این عمل، اسنادی از دوره‌های پیش از صفوی، صفوی و قاجار را بررسی می‌کنیم.

با توجه به کمبود اسناد چاپ شده پیش از صفوی، یکصد سند از مجموعه اسناد متعلق به بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی<sup>۶</sup> به صورت اتفاقی بررسی شد. بیش از ۸۰ درصد از این تعداد، دارای نقص، به ویژه در گوشه پایین سمت راست و یا برش کج لبه پایین سند هستند.\*

با نگاهی کلی به نواقص اسناد این دوره می‌توان بر چند نکته تأکید کرد:

۱. با توجه به نمونه‌های اصیل موجود به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد، گوشه کوچکی از سند با دست پاره و کنده شده است. به همین دلیل شکل پارگی ضلع متصل به کاغذ نامنظم است.

۲. بخش عمده پارگی و نقص از لبه پایین سند کم شده است نه از لبه سمت راست.

۳. گاه نیز تمام لبه پایین سند به صورت اریب بریده شده است.

به علت فراوانی نمونه‌ها، در بررسی اسناد دوره صفوی به نمونه‌های ارائه شده در چهار منبع تصویری<sup>۷</sup> بسنده شد. تقریباً همه اسناد این دوره، دارای این نقص عمدی هستند. خصوصیات نقص اسناد این دوره به اشکال زیر قابل جمع‌بندی است:\*

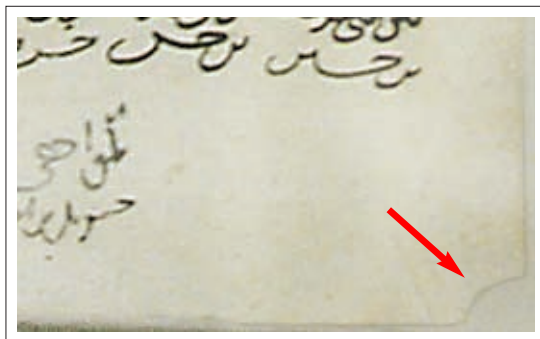
۱. کاغذ به صورت منظم و رسمی، در سه شکل با تیغ یا قیچی بریده می‌شود.

۲. برخلاف اسناد پیش از صفوی، بخش عمده برش در حاشیه سمت راست قرار می‌گیرد.

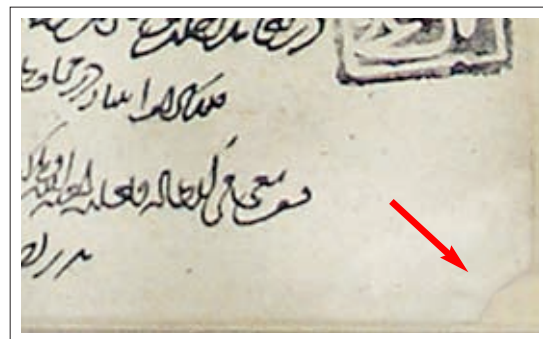
۳. با توجه به کوتاه شدن طول سند پس از دوره ایلخانی، نوع دیگری از نقص عمدی به شکل برش نامحسوس از بالا و پایین سمت راست سند دیده می‌شود که این لبه را به صورت کمانی یا نوک‌پیکانی (فلش) نامحسوس درمی‌آورد.\*

۴. گاه همزمان، این برش، علاوه بر گوشه پایین سمت راست، در گوشه چپ بالای سند نیز دیده می‌شود.\*

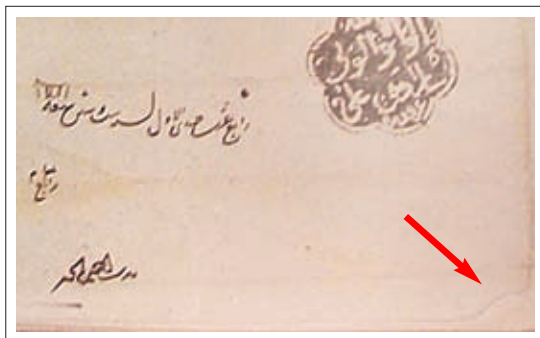
۵. در این دوره به علت ورود جدول کشی و تذهیب<sup>۸</sup> به حوزه اسناد، در بسیاری از نمونه‌ها خط جدول از لبه بریده شده عبور می‌کند و نقص سند را برجسته‌تر نشان می‌دهد.



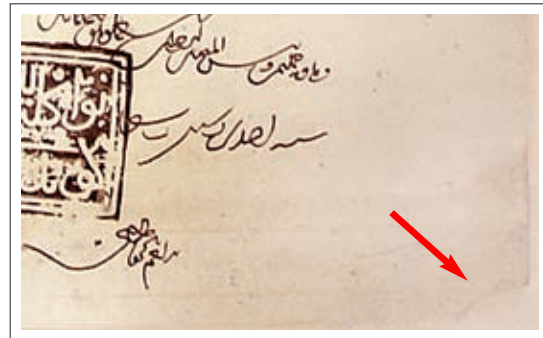
ت ۲: قسمتی از اقرارنامه، ۶۸۷ ق، اسناد بقعه شیخ صفی (موزه ملی ایران، سند ۲۵).



ت ۱: قسمتی از فرمان، ۴۴۷ ق، اسناد بقعه شیخ صفی (موزه ملی ایران، سند ۴۴۷).



ت ۴: قسمتی از فرمان، ۷۶۶ ق، اسناد بقعه شیخ صفی (موزه ملی ایران، سند ۴۸۲).

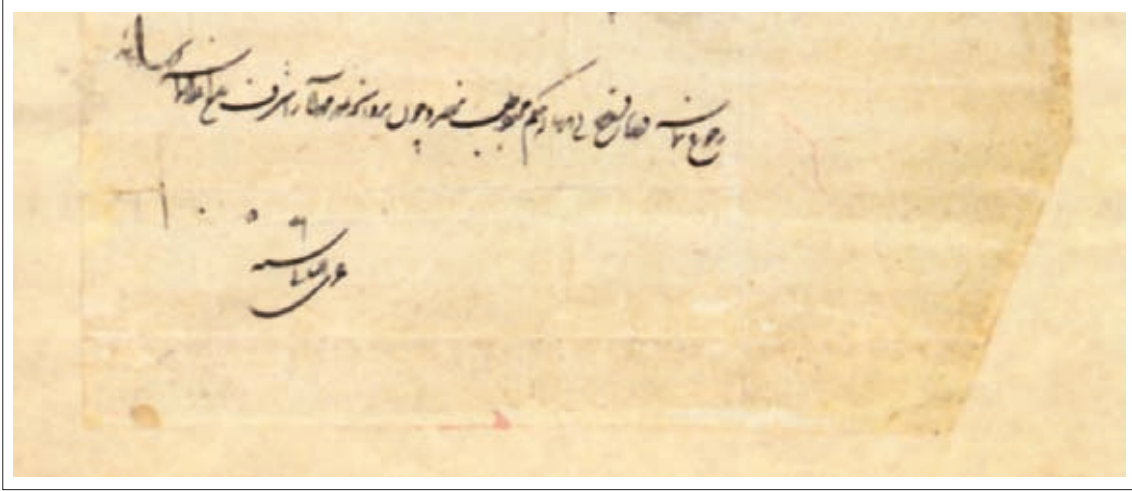


ت ۳: قسمتی از فرمان، ۷۶۱ ق، اسناد بقعه شیخ صفی (موزه ملی ایران، سند ۴۷۹).

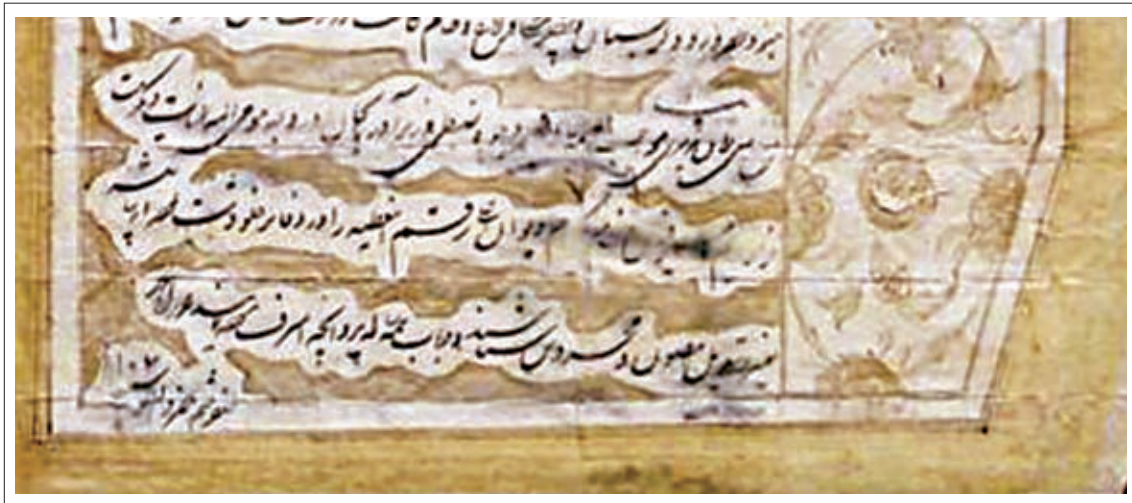
<sup>۶</sup> اسناد متعلق به بقعه شیخ صفی تنها مجموعه اسناد بازمانده از پیش از دوره صفوی در ایران است که اکنون در بخش اسلامی موزه ملی نگه‌داری می‌شود.

<sup>۷</sup> اسناد پایه بررسی اسناد صفوی و قاجاری، برای امکان دسترسی علاقه‌مندان بر سه مجموعه منتشرشده ذیل است: حسن شهرستانی، جلوه‌های هنر ایرانی در اسناد ملی. تهران: سازمان اسناد ملی، ۱۳۸۱. سید جعفر حسینی اشکوری، مجموعه اسناد کتابخانه میرزا محمد کاظمینی (یزد)، دفتر اول، قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۳. قباله‌های ازدواج در سده‌های ۱۳ و ۱۴ (کاتالوگ نمایشگاه)، تهران: موزه نگارستان، ۲۵۳۵. نیز رک: [www.persian-doc.org.ge](http://www.persian-doc.org.ge)

<sup>۸</sup> با توجه به تداخل حوزه تذهیب در اسناد و سرلوحه کتاب، جزئیات مربوط به این امر در مقاله‌ای دیگر با عنوان «نحوست تربیع و تجلی آن در کتاب‌آرایی» خواهد آمد.



ت ۵: قسمتی از فرمان، ۱۰۵۶ق (به نقل از: مجموعه اسناد کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، قم، ۱۳۸۳، بدون صفحه شمار).



ت ۶: برگرفته از سایت: [www.persian-doc.org.ge/image\\_gallery/pd-44](http://www.persian-doc.org.ge/image_gallery/pd-44)



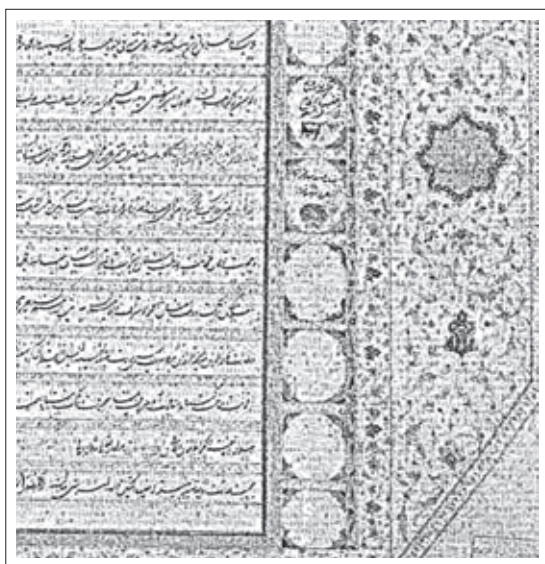
ت ۷: برگرفته از سایت: [www.persian-doc.org.ge/image\\_gallery/pd-14](http://www.persian-doc.org.ge/image_gallery/pd-14)

برای بررسی اسناد دوره قاجار نیز تنها سه منبع یاد شده مورد بررسی قرار گرفت. نمونه‌های متعدّد موجود را می‌توان به اشکال زیر طبقه‌بندی نمود:\*

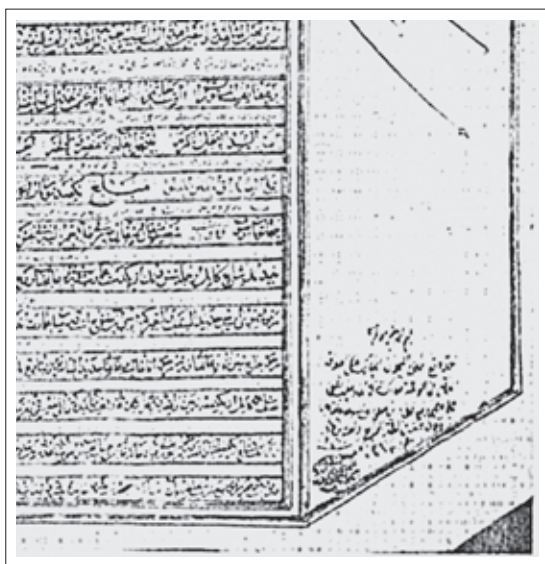
۱. برش رایج در اسناد صفوی و پیش از آن (به‌ویژه در اسناد دیوانی) کمتر دیده می‌شود.
۲. برش نامحسوس که نمونه اندکی در دوره صفوی داشت در این دوره غالب می‌شود. یعنی پایین و بالای ضلع سمت راست سند تورفته است (نوک‌پیکانی، عمدتاً سمت راست و گاه چپ) ایجاد می‌شود.
۳. در کنار ادامه سنت برش سند که در این دوره بیشتر در اسناد قضایی دیده می‌شود، نوع تازه‌ای از ایجاد نقص در این زمان رایج می‌شود که در بیشتر اسناد دیوانی و نیز

عقدنامه‌ها به وضوح و کثرت دیده می‌شود و خود می‌تواند تحوّلگی در این زمینه شمرده شود. اگرچه در اسناد صفوی گاه جدول‌کشی اطراف سند از لبه برش عبور می‌کرد، اما در دوره قاجار، علاوه بر تداوم سنت پیشین، اندیشه نحوست از برش کاغذ به کج کردن خط جدول حاشیه سند بدل شده و همچنان گوشه سمت راست پایین سند در جدول‌کشی کج کشیده می‌شود و یا به‌ویژه، خط سمت راست سند از بالا و پایین به سمت داخل گرایش می‌یابد.\*

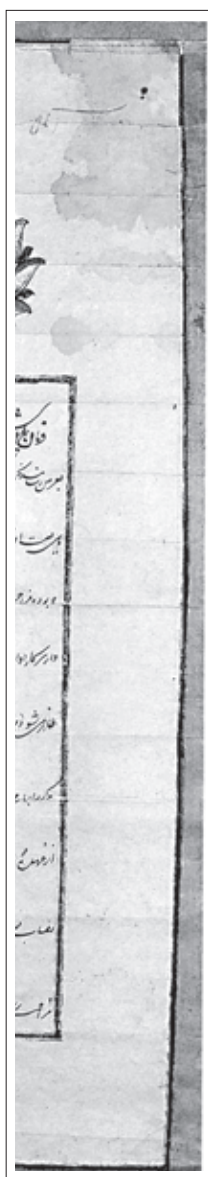
ت ۸



ت ۱۰: قسمتی از عقدنامه، ۱۲۲۱ق (قبایله‌های ازدواج.... ص ۱۹).



ت ۱۱: قسمتی از عقدنامه، ۱۲۷۸ق (قبایله‌های ازدواج.... ص ۴۰).



ت ۹: قسمتی از فرمان شاه سلطان حسین صفوی، ۱۱۱۷ق سازمان اسناد ملی (به نقل از: جلوه‌های هنر ایرانی در اسناد ملی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۴۲).



ت ۸: قسمتی از سند فروش نکاتی به سال ۱۳۷۸ (به نقل از: مجموعه اسناد کتابخانه میوزا محمد کاظمینی، سند ش ۱۷۹).

## اشاره‌های متون به این سنت و دلایل آن

با بررسی متون کهن و به ویژه کتب انشا و ترسل و برخی منابع منظوم می‌توان شواهدی متقن بر وجود این باور اقامه کرد. در اینجا با ترتیب تاریخی (از جدید به قدیم) برخی شواهد را ذکر می‌کنیم.

■ عبارت شاردن (سده ۱۱ و ۱۲) که پیش از این از آن یاد شد، چنین است:

همیشه گوشه راست برگ را با قیچی می‌برند. آنها می‌گویند که این کار را برای این می‌کنند که شکل منظم و مستطیل کاغذ با بریدن گوشه آن نامنظم گردد و بدین وسیله بفهمانند که تمام کارهای ما ناقص است.<sup>۹</sup> اما ظاهراً این سخن شاردن برگرفته و متأثر از نکاتی است که رافائل دومان در کتاب خود، وضعیت ایران در ۱۰۷۰/۱۰۶۶۰ آورده است. وی می‌نویسد:

از کاغذی که برای نوشتن استفاده می‌کنند، یک گوشه پایین راست آن را می‌برند تا انحرافی در شکل مربع به وجود آید. علت آن است که مربع شکل کاملی است و چیزهای کامل مناسب انسان نیست. و انسان نباید کمال را در کارش نشان دهد. من فکر می‌کنم تا مثلث هم نباشد که [از نظر آنان] بدیمن است زیرا با رسم کردن قطر یک چهارگوش منظم، دو مثلث با اضلاع یگانه به وجود می‌آیند که نوک آنها تثلیث مسیحیان را نشان می‌دهد. سخنان شاردن و دومان حاوی نکات زیر است:

۱. انجام عمل نقص با قیچی.  
۲. نامنظم کردن شکل مستطیل یا چهارگوش.  
۳. ناقص نشان دادن سند برای القای اندیشه «ناقص بودن امور دنیوی».

۴. اشاره به رواج تعبیر «الشکل الکامل» برای مربع. و عدم تناسب کار کامل برای انسان.  
۵. یک چهارگوش کامل، متشکل از دو مثلث است و تثلیث هم نحس است.

■ شمس‌الدین آملی، مؤلف نفایس‌الفنون (تألیف ۷۳۵-۷۴۲ق) نیز بر این امر صحه می‌گذارد و می‌نویسد: آنکه نامه را مربع نگذارد. چه، تربیع نظر عداوت باشد و نیز تشبیه به نعش کند.<sup>۱۱</sup>

این متن نیز حاوی نکات زیر است:

۱. اشاره صریح به تربیع؛ و نظر تربیعی که اصطلاحی نجومی و دال بر نظر دشمنی است.  
۲. آوردن دلیلی دیگر برای انجام این امر، یعنی شباهت به نعش.

کلمه نعش ذکر شده را به دو موضوع می‌توان نسبت داد. اول: با توجه به نجومی بودن اشاره اول (نظر دشمنی تربیع)، این کلمه را می‌توان اشاره‌ای به بنات‌النعش دانست که در تاریخ ادب فارسی مظهر آشفتگی و پراکندگی است.

دوم: نعش می‌تواند اشاره‌ای به جنازه یا تابوت باشد چنانکه نظامی گفته است:

در گوشه نشست و ساخت توشه تا کسی رسدش «چهارگوشه»<sup>۱۲</sup> و البته بیش از هر چیز ذهن را به سوی اصطلاح فقهی رایج «تربیع جنازه» می‌کشاند.

■ هندوشاه نخجوانی نیز در کتاب دستورالکاتب در این باب می‌نویسد:

و چون نامه تمام شود، از کنار آخر کاغذ، از جانب راست، پاره [ای] قطع کند تا شکل مربع نباشد.<sup>۱۳</sup> در این جمله نخجوانی بر دو نکته تأکید شده است:  
۱. زمان انجام این کار پس از اتمام نامه است.  
۲. مشخص کردن جانب راست پایین سند برای ایجاد نقص.  
۳. استفاده از فعل قطع کردن (کندن یا بریدن) برای انجام این کار.

■ از دیگر کتب ارزشمند نوشته شده در همین قرن لطایف‌الانشای نسفی<sup>۱۴</sup> است. او نیز درباره این موضوع آورده است:

و چون کتابت تمام کند، در آخر مکتوب، زاویه زیر کلمه: گوشه [جانب راست را قدری پاره کند، چنانکه شکل تربیع او باطل شود.

در حاشیه همین عبارت نوشته شده: «لا خیر فی التربیع». این متن نیز به نکات ذیل تکیه دارد:

۱. دلیل انجام این عمل باطل کردن شکل تربیع است.  
۲. از فعل «پاره کردن» استفاده شده است.

<sup>۹</sup> شاردن، ۲: ۲۹۷؛ هانری ماسه، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن ضمیر (تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۵۷)، ۲: ص ۸۴ - ۸۵، ۱۰۶ و ۱۰۷.

<sup>۱۰</sup> (معرفی و ترجمه این متن را مادیون جناب پروفیسور فرانسس ریشارد هستم). *Rapha el du Mans Missionnaire en Perse au XVIII<sup>e</sup> S.* (Paris, 1995), 2: 98.

<sup>۱۱</sup> شمس‌الدین آملی، نفایس‌الفنون (تهران، چ سنگی، ۱۳۰۹ق)، ص ۶۷. ذیل علم انشا.

<sup>۱۲</sup> نظامی گنجوی، کلیات نظامی: لیلی و مجنون، به کوشش وحید دستگردی (تهران: علمی، ۱۳۱۳)، ص ۱۵۰.

<sup>۱۳</sup> محمدبن هندوشاه نخجوانی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، به کوشش ع. علی زاده (مسکو، ۱۹۶۴)، ۱: ۸۴.

<sup>۱۴</sup> نصرالله بن علاء [الدین] البنا نسفی، لطائف‌الانشاء، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۷۱۹، ص ۲۴.

۳. محل انجام این عمل، گوشه پایین راست سند است.  
 ۴. زمان انجام این عمل، پس از اتمام کتابت است.  
 ■ سیمی نیشابوری در جوهریه که ظاهراً در نیمه اول قرن هشتم تألیف شده آورده است:

چنان‌که در هر مکتوب که باشد، پاره‌ای از کنار راست قطع کنند تا از شکل مربعی بیرون آید؛ که حکما را در نحوست این صورت اتفاق است.<sup>۱۵</sup>

علاوه بر «بیرون آوردن مکتوب از شکل مربعی»، تأکید بر هر [نوع] مکتوب، ایجاد نقص از کنار راست (نه لزوماً گوشه پایین) و جمله «اتفاق نظر حکما بر نحوست این صورت» از نکات برجسته‌ای است که نیشابوری بر آن اشاره دارد.

■ اما کهن‌ترین منبعی که به صراحت به این موضوع اشاره دارد و دلیلی قاطع بر آن ارایه می‌کند کتاب بی نظیر و ارزشمند دستور دبیری میهنی (تألیف سده ۶ق) است:

و چون درخواهد نبشتن، اگر (مگر؟) یک گوشه پایان کاغذ قدری بیندازد تا شکل مربعی باطل شود، کی تربیع شکل نحوست است.<sup>۱۶</sup>

این جمله میهنی علاوه بر تصریح به موضوع، سه نکته مهم را نیز گوشزد می‌کند:

۱. دلیل انجام این کار نحس بودن «تربیع» دانسته است.
۲. برای این منظور از فعل «باطل کردن» استفاده شده است.
۳. جای ایجاد نقص، بدون اشاره به جهت راست یا چپ، یک گوشه پایین سند مشخص شده است.
۴. زمان انجام این عمل هنگام پیچیدن سند ذکر شده است.
۵. برای ایجاد نقص، از کلمه «انداختن» (= کندن، قطع کردن، بریدن) استفاده شده است.

■ یادآور می‌شوم که اولین اشاره ویژه به کاغذ چهارگوش را می‌توان در آثار ابوریحان بیرونی (سده ۴ و ۵ ق) نیز یافت. او به طلسمی که در زمان حیاتش برای رماندن گزندگان به کار می‌رفته این‌گونه اشاره دارد:

عبارات «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم». اسفندارمذ<sup>۱۷</sup> ماه، اسفندارمذ روز، بستم دم و رفت و زیر و زبر از همه،

جز ستوران. به نام یزدان و به نام جم و افریدون. بسم‌الله بادم و حوا حسبی الله وحده و کفی» را بر کاغذ چهارگوش نوشته و بر سه قسمت دیوارهای خانه بچسباند.<sup>۱۸</sup>

تأکید بیرونی بر استفاده از کاغذ چهارگوش، به ویژه با توجه به آنکه از نوعی «طلسم» سخن به میان آورده است، خود می‌تواند تأکیدی بر بدیمنی کاغذ چهارگوش باشد.

### بررسی موضوع از نگاه مردم‌شناسی

این باور در فرهنگ مردم دوره معاصر نیز وجود داشته است. صادق هدایت در این باب آورده است: «اگر کسی کاغذ بنویسد و پایین آن را نچیند، زنش می‌میرد».<sup>۱۹</sup>

نگارنده نیز در بررسی رسوم ارسال نامه در منطقه کازرون، شیوه‌ای دیگر در نشان دادن موضوع را یافت و آن «تا کردن گوشه سمت راست پایین نامه» در زمان ارسال است.<sup>۲۰</sup> این نکته بعداً توسط افرادی از دیگر مناطق نیز تأیید شد.<sup>۲۱</sup> تعبیر دیگری را نیز با بیان: «باید گوشه‌ای از نامه را برید تا صلیب نباشد» از برخی مشایخ اهل تصوف دوره معاصر نقل شده است.<sup>۲۲</sup> این تعبیر نیز از سویی یادآور سخن رافائل دومان (درباره تثلیث) و از سوی دیگر تربیع دانستن صلیب در ادب پارسی را به خاطر می‌آورد. به عنوان مثال می‌توان به این تعبیر خاقانی اشاره کرد: ز تثلیثی کجاسعد فلک راست به تربیع صلیب بادپرو<sup>۲۳</sup> شواهد اخیر به خوبی فراگیر بودن و تداوم این باور را تا دوره معاصر نشان می‌دهد.

### جمع بندی دلایل ایجاد نقص

به دنبال یافتن دلیل اصلی ایجاد نقص در شکل چهارگوش، بار دیگر مجموعه اطلاعات را دسته بندی می‌کنیم:

۱. وقوع اتفاق ناگوار (بررسی‌های مردم‌شناسی).
۲. بدیمن بودن شکل صلیب (تربیع و تثلیث) (بررسی‌های مردم‌شناسی).

۱۵ سیمی نیشابوری، جوهریه، در: نجیب مایل هروی، کتاب آرای در تمدن اسلامی (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲)، ص ۵۲. (با سپاس از دکتر هایده لاله برای معرفی این منبع).

۱۶ محمدبن عبدالخالق میهنی، دستور دبیری، تصحیح سیدعلی رضوی بهابادی (یزد: بهاباد، ۱۳۷۵)، ص ۲۸.

۱۷ اسفندارمذ، رب طلسم ارض است. (دهخدا، ذیل رب النوع زمین).

۱۸ جلال‌الدین همایی، تعلیقات التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، به‌کوشش جلال همائی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴)، پاورقی ص ۲۵۹-۲۶۰ (به نقل از آثار الباقیه).

۱۹ صادق هدایت، نیرنگستان (تهران: امیرکبیر، ج سوم، ۱۳۴۲)، ص ۸۲.

۲۰ در گفت و گو با آقای عبدالرحمن فرشته حکمت کازرونی (۸۰ ساله).

۲۱ این مطلب را به نقل از مرحوم دکتر علی نورالحکما و فرزندشان معین حکما از آقای محمدحسین فرشچی (از فضلاء کتابدوست) شنیده‌ام.

۲۳ بدیل‌بن علی خاقانی، دیوان خاقانی، به‌کوشش ضیاء‌الدین سجادی (تهران: زوار، ۱۳۷۳)، ص ۲۸.

خورشید ۹۰ درجه شود (قریب ۷ شبانروز و ۹ ساعت پس از محاق) تربیع اول واقع می‌شود. که ماه به صورت نیم دایره دیده می‌شود. سپس باز قسمت مرئی افزایش می‌یابد و در موقع مقابله (قریب ۷ شبانروز و ۹ ساعت بعد از تربیع اول) ماه به صورت دایره تمام دیده می‌شود. و این حالت را بدر می‌گویند. از آن پس همان کیفیات در جهت عکس ظاهر می‌شود. (فرهنگ مصاحب، ذیل تربیع) نظر تربیعی: قرار داشتن دو کوکب به فاصله سه برج (۹۰ درجه) از یکدیگر را نظر یا نگریستن از تربیع می‌نامند. در علم نجوم، بودن دو کوکب است، به طوری که ربع منطقه البروج، یعنی سه برج میان آنها فاصله باشد و آن را نظر تربیعی نیز گویند.<sup>۲۴</sup>

اعتقاد به نحوست تربیع نجومی در متون کهن در منابع و متون دوره اسلامی، شواهد بسیاری بر وجود باور به نحوست تربیع نجومی وجود دارد. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

● «و آنگاه ناخوشی و کراهیت تربیع برخیزد و زیانش برود». <sup>۲۵</sup>

● «و تربیع نحس است»، «و نظر تربیع را دشمنی گویند»، «پس نظر تربیع و مقابله دشمنی بود». <sup>۲۶</sup>

خاقانی در موارد بسیار و از جمله در این بیت از نحوست تربیع سخن گفته است:

به یک دم باز رست از چرخ و ننگ سعد و نحش هم

که این تثلیث برجیس است و آن تربیع کیوانی <sup>۲۷</sup>  
و مولانا نیز در ابیاتی از مثنوی، تربیع را مظهر دشمنی و کینه می‌داند:

جز کسی کاندر قضا اندر گریخت خون او را هیچ تربیعی نریخت <sup>۲۸</sup>  
تو تمنا می‌بری کاختر مدام لاغ گردی سعد بودی بر دوام  
سخت میتولی ز تربیعات او وز وبال و کینسه و آفات او  
سخت می‌رنجی ز خاموشی او و ز نحوس و قبض و کین کوشی او <sup>۲۹</sup>

از سوی دیگر، نخجوانی، کاتب را از نوشتن در زمان وقوع تربیع، برای پرهیز از دردسر و ایجاد مشکل پرهیز می‌دهد: «و چون [کتابت] ضروری نباشد، اختیارات نجومی را مراعات کند.» چنان‌که در این ابیات مذکور است:

ابتدای کتابت از هر باب چون کنی اختیار، چیست صواب  
ماه در برج منقلب باید وار ثور و اسد بود شاید ...  
وار نخواهی که آردت تصدیع از مقارن حضر کن و تربیع <sup>۳۰</sup>

۳. پنج ضلعی کردن شکل چهارضلعی برای نشان دادن نقص امور مادی (شاردن).

۴. اشاره به تعبیر «الشکل الکامل» برای مربع، و مناسب نبودن انجام کار کامل برای انسان (رافائل دومان).

۵. مربع دو مثلث را تشکیل می‌دهد و مثلث (تثلیث) بدیمن است (رافائل دومان).

۶. نظر دشمنی تربیع (نفایس الفنون).

۷. شباهت به نعش (تربیع جنازه یا بنات النعش) (نفایس الفنون).

۸. «تاشکل مربع نباشد» (دستورالکاتب) (بدون ذکر دلیل).

۹. تاشکل تربیع باطل شود (لطایف الانشاء).

۱۰. لآخر فی التربیع (حاشیه لطایف الانشاء).

۱۱. اتفاق نظر حکما بر نحوست شکل مربعی (جوهریه).

۱۲. نحس بودن شکل تربیع (دستور دبیری).

چنان‌که به خوبی دیده می‌شود از میان دلایل یادشده، بیشترین تأکید بر واژه «تربیع» است.

### کدام تربیع؟

از میان کاربردهای مختلف واژه تربیع، آنچه ارتباط بیشتری با موضوع مورد بحث و اشارات متون دارد به شرح ذیل است:

۱. کلمه تربیع در مباحث هندسی به معنای مطلق چهارگوش (مربع و مستطیل) است و چنان‌که اشاره رفت و مناسب مقال است، هدف از ایجاد این نقص بیش از هر چیز تغییر در شکل چهارگوش بوده و قدما به صراحت از نحس بودن این شکل سخن گفته‌اند.

۲. تربیع در عین حال اصطلاحی نجومی نیز هست. و با توجه به آنکه برای نحس بودن شکل چهارگوش دلیلی ذکر نشده است، برای یافتن پاسخی برای این پرسش، معانی تربیع نجومی را نیز مرور می‌کنیم.

### تربیع و نظر تربیعی در اصطلاح نجوم

تربیع: «اشکال ظاهری ماه یا اهله ماه، ناشی از این است که با تغییر وضع ماه نسبت به خورشید و زمین، سطح مرئی ماه تغییر می‌کند. در موقع مقارنه که نیمه تاریک ماه به جانب زمین است، محاق واقع می‌شود. در این موقع خورشید و ماه با هم از نصف النهار محل می‌گذرند. شب پس از آن، هلال واقع می‌شود که حذب‌هاش به جانب مغرب است. چون فواصل زاویه‌ای ماه و

<sup>۲۴</sup> نک: حمیدرضا گیاهی یزدی، «تربیع»، در: دانشنامه جهان اسلام (تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۲)، ج ۷؛ بنقل از فرهنگ نظام.

<sup>۲۶</sup> ابونصر قمی، ترجمه المدخل الی علم احکام النجوم، از مترجمی ناشناخته، به کوشش جلیل اخوان زنجانی (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵)، ص ۶۰، ۱۴۸، ۱۴۹.

<sup>۲۷</sup> خاقانی، ص ۴۱۵. <sup>۲۸</sup> جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، به تصحیح ر. آ. نیکلسن (تهران: علمی، بی‌تا)، دفتر ۳: ۲۸. <sup>۲۹</sup> همان، دفتر ۶: ۳۷۱.

<sup>۳۰</sup> عبدالجبار خجندی، مدخل منظوم، ضمیمه تنکوشا، به کوشش رحیم رضا زاده ملک (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۴) ص ۱۹۶. و نیز: محمد بن هندوشاه نخجوانی، ۱: ۸۶ - ۸۷.

### نسبت تربیع نجومی و شکل مربع در چیست؟

در باب چگونگی نسبت و ارتباط میان شکل تربیع (چهارگوش) و تربیع نجومی همچنان می‌توانست ابهامی وجود داشته باشد. اما خوشبختانه منبعی کهن و ارزشمند گره از این کار می‌گشاید، مرزوقی اصفهانی (د. ۴۲۱ق) در کتاب الازمه و الامکنه در بحثی در باب «خلأ، زمان و مکان» از این جمله به عنوان شاهد مثال یاد می‌کند: «کما بیطل التربیع ببطلان المربع»<sup>۳۱</sup>.

بدیهی است این جمله به خوبی پرده از این راز می‌گشاید که قداماً باطل کردن شکل مربع را (با ایجاد نقص یا انداختن گوشه‌ای از آن) عامل و دلیلی بر در امان ماندن از نحوست تربیع می‌دانسته‌اند. مؤید دیگر این اندیشه، بیت دیگری از مولانا است. وی در دیوان شمس به تمامی اندیشه مورد بحث، یعنی نحس بودن تربیع و گرفتن گوشه برای رهایی از این نحوست، اشاره کرده است:

ما نه زان محتشمانیم که ساغر گیرند

و نه زان مفلسکان کی بز لاغر گیرند

... پس این پرده ازرق صمنی مه رویی ست

که ز نور رخس انجم همه زیور گیرند

ز احتراقات و ز تربیع و نحوست برهند

اگر او را سحری گوشه چادر گیرند<sup>۳۲</sup>

### نتیجه

جدا کردن بخش کوچکی از گوشه راست پایین اسناد، و یا ایجاد انحراف در اضلاع شکل چهارگوش سند به منظور باطل کردن شکل مربع و دفع نحوست تربیع نجومی، سنتی کهن در اسناد دوره اسلامی است. براساس نمونه‌های موجود اسناد، می‌توان چهار شکل: کندن، بریدن (به صورت محسوس و نامحسوس)، نشان دادن نقص با کج کشیدن خطوط جدول و تا کردن گوشه پایین سند را برای آن ارائه کرد.

بررسی دلایل انجام این عمل نشان می‌دهد که شناخت قداماً از این موضوع به مرور زمان دستخوش تحوّل و شاید فراموشی و تغییر شده است. چنان‌که متون پیش از قرن هشتم به صراحت دلیل ایجاد نقص در شکل کاغذ را «نحوست تربیع» دانسته‌اند، اما پس از این دوره یا دلیلی برای آن ذکر نشده و یا دلیل ذکر شده نوعی ابهام در موضوع را نشان می‌دهد. بی‌تردید اشاره‌های منابع صفوی و پس از آن را (مانند: ناقص بودن امور دنیوی، نحس بودن تثلیث، مناسب نبودن انجام کار کامل برای انسان) باید برداشت‌های نوین از این اندیشه کهن دانست. این باور پیشینه‌ای بسیار کهن‌تر از دوره اسلامی دارد و علاوه بر قلمرو اسناد، نسخ خطی، کتیبه‌ها و مقابر، بر شکل دیگر آثار هنری، معماری و شهرسازی نیز تأثیر فراوان داشته است. گستردگی و شیوه‌های تجلی این باور در مقاله‌ای دیگر ارائه خواهد شد.

\* \* \*

### یادداشت نامه بهارستان

در همین دفتر از مجله، در دو رساله قدیمی و به‌طور جداگانه به این سنت تاریخی (یعنی چیدن کنار کاغذ) اشاره شده است که با کسب اجازه از مؤلف محترم مقاله، برای اطلاع خوانندگان گرامی نقل می‌شود:

■ «آلات کتابت و بیان آداب و عادات دبیری» (برگرفته از نسخه خطی تحفه جلالیه)، تألیف محمد بن علی ناموس خواری (تألیف اوایل سده هشتم ق) (همین دفتر، ص ۱۷): «و چون نامه نوشته شود، از کنار کاغذ در آخر مکتوب از جانب وحشی پاره‌ای پاره کند تا شکل مربعی باطل گردد». (نیز، ص ۱۸): «و رنخواهی که باشد تصدیق/ از مقابل حذر کن و تربیع». ■ «آداب و لوازم کتابت» (برگرفته از نسخه خطی مفتاح المطالب)، تألیف احمد بن عبدالله الجمال (تألیف سده ۱۲ ق)، (ص ۸۱): «آنچه دأب فصحا و بلغا و فضلاى خراسان است، آن است که در مکاتیب مذکوره بر حاشیه رقم کنند و در حین مقراض گوشه راست پایان کتابت را قطع نمایند که صورت تربیع را نحس داشته‌اند».

■ همچنین شادروان سید محمد تقی میرابوالقاسمی (رشت) همین موضوع را در ضمن مقاله‌ای با عنوان «دو فرمان درباره طالقان» در فرهنگ ایران زمین (ج ۱۲، ۱۳۴۳، ص ۲۶۷) بیان کرده است بدین عبارت: «اگرچه هنوز فرامین عدیده‌ای در گوشه و کنار موجود است که مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته و ممیزات و مشخصات آنها تعیین نگردیده است اما پاره‌ای از آنها به دست افتاد و شناسایی خصوصیات آن آشکار و واضح است. نخست شکل غالب فرمانهاست که بیننده تصور می‌کند بریدن گوشه آن تصادفی است، اما وقتی بسیاری از فرامین را چنین می‌بیند به ذهنش می‌رسد که در این مورد دلیلی در کار بوده است. شاردن می‌گوید...».

<sup>۳۱</sup> احمد بن محمد مرزوقی اصفهانی، الازمه و الامکنه، به کوشش خلیل المنصور (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۶)، ص ۱۰۹.

<sup>۳۲</sup> جلال‌الدین محمد مولوی، دیوان شمس، به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶)، ج ۱: ۴۸۱.





ت ۱۲: فرمان شاه سلطان حسین صفوی، ۱۱۲۴ق؛ سازمان اسناد ملی (برگرفته از: جلوه‌های هنر ایرانی در اسناد ملی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۴۵).

## Malevolence of Quadrature and its Manifestation in Iraninan Documents

Emad-aldin SHEIKHULHUKAMAYI

(Archaeological Institute of Tehran University)

Those who work with archival Persian documents must have noticed that the lower right corner of many of these documents has been cut. This paper concerns the history and evolution of this custom.

Heribert Busse was the first among contemporary scholars who noticed this feature in Safavid charters and quoted the 16<sup>th</sup> century traveler Chardin who explained it as a superstitious custom that signifies the deficiency of all worldly affairs.

However, belief in the malevolence of quadrature is much older than the 16<sup>th</sup> century AD. The oldest source that explicitly mentions the custom is *A Manual for Actuaries* (dastur-e dabiri) from the sixth century AH (12<sup>th</sup> century AD).

Inauspiciousness of the square shape is also found in folklore. Sadeq-e Hedāyat (d. 1330AH/1951AD).

Approximately ninety pre-Safavid letters and charters from the shrine of Sheykh Ṣafī al-Dīn of Ardabil (d. 759AH/1357AD) have been inspected with regard to this custom. Of these, thirty-five show defects on their lower edges. The following features are noteworthy in these papers:

1. A corner of most shows a manual tear. However, in Safavid charters, the cuts have been made by knives or scissors.

2. Though most tears and defects are on the lower edge of documents, in the case of Safavid charters the cut is more specifically located on the lower right side of papers.

Documents that belong to the Qājār period show different features in this respect. These may be categorized as follows:

1. The kind of cut that is common to Safavid and pre-Safavid charters is rare in these documents.

2. In addition to the custom of cutting the paper that continues to be seen in legal documents of this period, a new manner of disturbing the item's quadrature is introduced. This involves bending or slanting the rule-borders of the document.

3. Some documents show a slanting of the rule-borders on their lower right and the upper left sides, which appear to be a stylized evolution of the earlier cuts in the paper.

The author presents evidence from classical Persian and Arabic literary and scientific sources in support of the malevolence of the form of the square.

